

اسرای فاتح

تاکتیک‌های عملیات روانی آزادگان در دوران اسارت

ابوالفضل کریم‌شاهی

سرشناسه	کریمشاهی، ابوالفضل، ۱۳۴۴.
عنوان و نام پدیدآور	اسرای فاتح / ابوالفضل کریمشاهی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات گاهان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۳۲ص؛ مصور، جدول، نمودار.
شابک	۹۵,۰۰۰ ریال: 978-600-94563-0-7
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا :
موضوع	کریمشاهی، ابوالفضل، ۱۳۴۴ - خاطرات
موضوعی	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - آزادگان - خاطرات
شماره کتابش. سی. ما	۴۰۷۰۵۷۸:

اسرای فاتح

مؤلف: ابوالفضل کریمشاهی

محققین: علی جابر مرادی، مرتضی طاهری، علی سمان

صفحه‌آرا و طراح جلد: حسین بیاتانی

اسکن تصاویر: میثم مدنی

ویراستار: حمیدرضا نوری

ناشر: انتشارات گاهان

ویرایش اول / چاپ اول / ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۵,۰۰۰ ریال

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است

فهرست

۸.....	مقدمه
۱۳.....	از خانواده تا انقلاب
۱۷.....	اسارت در اولین عملیات
۲۲.....	اصل تکلیف محوری
۳۲.....	اصل دستاویزی به مبانی الهی
۲۹.....	اصل مقاومت
۳۱.....	اصل ایستادگی بر اصول
۳۲.....	اصل رمزگشایی
۳۷.....	آشنایی ما - حجة الاسلام ابوترابی
۴۰.....	نقش تقیه - روح‌نظ - جازا را
۴۲.....	اصل مشغول سازم
۴۶.....	اصل دشمن شناسی
۴۷.....	«شکنجه» همراه همیشگی اسارت
۵۱.....	نهج البلاغه و اسارت
۵۶.....	اصل بازی نکردن در زمین دشمن
۶۰.....	واکنش های هیستریک بعضی ها
۶۲.....	باور به آزادی
۶۵.....	دوران بعد از آزادی
۷۳.....	آلبوم خاطرات
۹۹.....	پیوست ها
۱۰۰.....	بیانات مقام معظم رهبری پیرامون آزادگان
۱۰۵.....	حجة الاسلام سید علی اکبر ابوترابی
۱۱۵.....	عملیات روانی رژیم بعث عراق علیه اسرا
۱۲۶.....	۸ سال دفاع مقدس به روایت آمار

یا اَبَا الحَسَنِ یا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ اَیُّهَا الْکَاطِمُ یا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ یا حُجَّةَ
 الْاَلِ عَلٰی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ
 اِلَى اللّٰهِ وَ قَدْ خَلَّ بَيْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یا وَجِیهاً عِنْدَ اللّٰهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ

ای ابا الحسن! ای موسی بن جعفر! ای کاظم! ای فرزند رسول خدا! ای حجت خدا بر خلق! ای
 آقای ما و سرور ما! ما رو آوردیم و شایع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله توبه درگاه خدا و تورا
 پیش روی حاجت های خویش قرار دادیم. ای آبرومند نزد خدا! شفاعت کن برای ما نزد خدا.

مقدمه

سالها، اسارت، سرزمینی دور که حتی نجوای وطنی نیز به فراموشی گراییده می‌شود. آن زمان سخت می‌انگارد که گویی زاده سختی و دشواری هستی و شاید پس از آن نیز ازل نباشد جز یادآوری خاطرات ناخوشی که هر چه می‌کنی از ذهن خوار پاک می‌شود، از توفیق کاسته می‌شود و بیش از پیش به یاد می‌آوری‌اش.

اما سخن از خاطرات دوران اسارت اندک مشکل‌تر می‌نماید. چه آن که برایت دل‌پذیر نیست و از سویی دوست‌داری، هم آنچه که بوده را به روی کاغذ بیاوری، شاید هم تلخی‌اش چنان تو را در خود فرو می‌کند که گویی همچنان اسیری. با این وجود، اسارت با اسارت فرق‌ها دارد. این اسارت کجا و آن اسارت که گاهی واژه به واژه به بند کشیدن خاطرات اسارت هم‌رانی دارد و صف ناشدنی که آبی روان است و اگر چه نمی‌توان دامن خود را بر دنی، اما پژواک جریان آب در یال‌های کوهستانی را به عمق جان می‌شنوی و دامن از کف می‌دهی.

با این وجود، سخن از تفاوت اسارت‌هاست؛ اسارت در بند هوای نفس یا اسارت در زندان‌های حزب‌بعث، اسارت در جنگال‌های بی‌محتوا یا اسارت در جریان‌های مغل اعصاب و روان، اسارت در زندان خود خویشتن انسان

یا اسارت در بند دشمن و الی آخر که تفصیل اش خود یک کتاب است و از عهده نگارنده خارج.

بگذار فاضل مآبانه‌تر برایت بگویم که اسارت در بند دشمن بعضی، اصلاً جنسش با بقیه اسارت‌ها متفاوت بود که شاید هم در امتداد چیزی دیگر بود. به قول یکی از بزرگان آنان که رفتند کاری حسینی کردند و آنان که ماندند باید کاری زینبی کنند و گرنه یزیدی‌اند؛ یعنی وسط نمی‌توان ماند. اگر زینبی

نمی‌شود، پس حتماً در جرگه یزیدیان جای گرفته‌ای. آری، جنس اسارت در آن زمان از جنس زینبی بودن بود و در آن شکی نیست. اما تهنیت آنچه که بر سر ام‌المصائب زینب کبری (سلام‌الله علیها) آمد کجا و تحمل آیه در حوز بر ما گذشت کجا؟ که البته تفاوت از زمین تا آسمان است.

شاید گذران دوران اسارت تمام‌آبرنامه‌ریزی برای مدیریت رنج باشد که همین هم هست. پس این مدیریت رنج در دوران چنان تلخ که با هیچ چیز جز آزادی به شیرینی نمی‌گرایید، چگونه حاصل شد. این مبنای قلم زدن این کتاب است. در اسارت که دیگر توپ و تانک و فاشنگ و تیربار نیست که ترس بالا آوردن سرت را داشته باشی یا نه اصلاً هم مسئله نیست ولی باور کنی که توپی هست، تفنگی هست و سایر چیزهایی که دیدی و لمس کردی. اینجا دیگر جنگ سخت مطرح نیست. اینجا، عرصه، عرصه جنگ نرم است. آری، جنگ نرمی که شاید سالیان قریبی است که سر زبان‌ها افتاده، آنان و زها جریان داشت و هر روز پیشرفته‌تر می‌شد. می‌خواهم این را بگویم که همین جنگ نرم بود که ما را در اسارت هم پیروز گرداند. جنگ نرمی که در اسارت صاحب اصول و مبانی‌ای برای خود شد و هم تدریس می‌شد و هم فرا گرفته می‌شد. برخی با اعتقادات، برخی با آزمون و خطا و برخی هم به تجربه سخت تحمل کرده فراهم شده بود که هر یک برای خود داستانی داشت.

این اصول که من نام مبانی جنگ نرم را بدان می‌دهم تاکتیک‌های عملیات روانی اسرا در دوران اسارت به شمار می‌رفت که مدیریت رنج در اسارت را نه تنها هموار، بلکه شیرین می‌نمود. همین شیرینی‌هاست که تلخی سلب آزادی و دوری از خانواده را هموار می‌کند؛ که امروز هم دوست داری آنها را به یاد بیاوری و با خود زمزمه کنی. زمزمه من هم با شما این اصول است که به آن می‌پردازم.

اصل دستاویزی به مبانی الهی: افسر جنگ نرم به سفارش پیامبر اعظم (ص) همواره به اصول مورد تأکید قرآن و سیره اهل بیت توجه نموده و در انتخاب‌های فردی و اجتماعی این اصول را خط‌مشی خود قرار می‌دهد. اصل حضور افسر جنگ نرم در هر عرصه‌ای حضور فعال داشته و در همه صحنه‌ها، بازیگر نقش اول می‌باشد.

اصل اعتماد به وعده بای الهی: افسر جنگ نرم بر این اعتقاد است که اگر فقط برای رضای خدا تلاش کند، قطعاً او را در مسیر رسیدن به هدف یاری خواهد کرد.

اصل اعتقاد به ظهور منجی: افسر جنگ نرم در راستای زمینه‌ساز ظهور در راستای زمینه‌سازی ظهور، همواره بالا بردن آگاهی و بصیرت، دفاع از حق، حمله به شیطان و مبارزه با جهل و کفر را در دستور کار خود قرار می‌دهد.

اصل تکلیف محوری: افسر جنگ نرم همواره در تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی به جای نتیجه‌گرایی، فقط به انجام تکلیف می‌اندیشد. چرا که معتقد است با توکل به خداوند مهربان و عمل به وظیفه، نتیجه قطعاً حاصل خواهد شد.

اصل دشمن‌شناسی: افسر جنگ نرم با هوشیاری و بصیرت دشمن را شناخته و همواره با دقت و تیزبینی مواضع و روش‌های آنان را به منظور طراحی عملیات دفاعی و یا تهاجمی مورد بررسی قرار می‌دهد.

اصل بازی نکردن در زمین دشمن: افسر جنگ نرم همواره با توجه به

تدابیر فرمانده، به هیچ وجه در زمین دشمن بازی نکرده و در نقشه‌های دشمن نیز ایفای نقش نمی‌کند.

اصل یادگیری: افسر جنگ نرم با پیروی از جناب عمار در روشنگری افکار عمومی، از هر فرصتی برای آگاه‌سازی جامعه و حتی پیاده‌نظام دشمن استفاده کرده و با منطق روشن مواضع خود را با آرامش تبیین می‌کند.

اصل امید به آینده: افسر جنگ نرم با وجود مشکلات و سختی‌های راه، همواره با توکل به خدای مقتدر به آینده امیدوار است و می‌داند که دشمن، اقبال یاس و ناامیدی را در دستور کار خود قرار داده است.

اصل مقاومت: افسر جنگ نرم برای دستیابی حداکثری به هدف، با توکل به خداوند بزرگ، نرسنگی را خسته کرده و می‌داند که عرصه این نبرد، مبارزه‌ای نفس به نفس است که تا آخرین لحظه باید مقاومت کرد.

اصل آرمان‌گرایی: افسر جنگ نرم با وجود مشکلاتی که در راه رسیدن به هدف وجود دارد، هیچ‌گاه از امری آرزو نمی‌خرد کوتاه نیامده و همواره با حفظ نگاه آرمانی به سوی قله‌های سعادت و حالی پیشروی می‌کند.

اصل کارهای کوچک و بزرگ: افسر جنگ نرم در حالی که از هیچ کار بزرگی نمی‌هراسد، هیچ کار کوچکی را هم فراموش نمی‌کند.

اصل دفاع، استحکام و حمله: افسر جنگ نرم علاوه بر شناخت عرصه‌های دفاع و حمله در این نبرد، همواره در موضوع خنثی‌سازی و استحکام باورهای اعتقادی خود تلاش می‌کند.

اصل ریزش‌ها و رویش‌ها: افسر جنگ نرم حقیقت را با افراد نمی‌شناسد بلکه افراد را با معیار حقیقت می‌سنجد. بنابراین با انحراف افراد از مسیر اصلی و عدم تبعیت آنان از فرمانده، فرمانده را تنها نمی‌گذارد.

اینها اصولی بودند که ما را نه تنها سرپا نگه داشت که سر بلند نیز نمود. باشد که باز هم در جنگی که جنسش عوض شده اما هدفش همان است به کار آیند.